

تحلیلی بر «تعالی حکمت»

با تکیه بر نفس‌شناسی و روش‌شناسی صدرایی

مریم‌السادات موسوی^(۱)

محمد بیدهندي^(۲)

محمد مهدی مشکاتی^(۳)

مفاهیم آغاز میکند و با رهیافتی میان‌رشته‌یی و جامع‌نگر، روش درست را جمع میان عقل و نقل و شهود میبیند. تأویل و زبان برتر نیز از مؤلفه‌هایی است که با روش‌شناسی خاص ملاصدرا مرتبط است.

کلیدواژگان: حکمت، تعالی، نفس‌شناسی، روش‌شناسی، ملاصدرا.

مقدمه

ملاصدرا به‌مراه ابن‌سینا و شیخ‌اشراق، از مؤثرترین فیلسوفان مسلمان دوره اسلامی هستند. حدود چهار قرن است که مکتب فلسفی صدرالمتهلین (حکمت متعالیه) ادامه یافته است. نخستین بار ابن‌سینا اصطلاح «حکمت متعالیه» را بکار برد (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۱۵۱). پس از او نیز این اصطلاح توسط برخی از حکما استفاده شده است. البته در موارد متقدم، این واژه بهیچ‌وجه آن بار معنایی را که در آثار ملاصدرا و شاگردانش می‌یابیم نداشته، زیرا آنها به واژه حکمت متعالیه معنای دقیقی داده و آن را با تلفیق مابعدالطبیعی و فلسفه جدید

چکیده

مکتب فلسفی صدرالمتهلین بنام حکمت متعالیه شناخته میشود. ملاصدرا واژه «حکمت» را بر واژه «فلسفه» ارجح دانسته و «تعالی» را – که در نظر او موقعیتی پویاست – جهت‌گیری کلی ساختار فکری خود قرار داده است. این امر ما را با منظومه‌یی از عواملی که از کیفیت، جهت و چگونگی تعالی در این مکتب بحث میکند، مرتبط میسازد. نوشتار پیش‌رو درصدد است، از میان عناصر متعدد برتری حکمت صدرایی، چگونگی ایجاد این تعالی را از طریق بررسی دو مؤلفه نفس‌شناسی و روش‌شناسی در دوحوزه مبدأ و معاد تبیین نماید. در رویکرد صدرایی اگر کسی خواستار حکمت باشد، باید برای خویش و در خویشتن دست به آفرینش زده و از تماشاگری به بازیگری در عرصه وجود قدم بگذارد. نوع نگاه متفاوت ملاصدرا به حقیقت نفس و توسع در مراتب ادراکی آن، با روش‌شناسی درهم‌تنیده و مرتبط است، زیرا در حکمت صدرایی شناخت نفس بمثابة یک روش برای خداشناسی و آخرت‌شناسی قلمداد میشود. ملاصدرا در روش‌شناسی از بازآفرینی

* تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۸ تاریخ تأیید: ۹۹/۲/۲۸

(۱). دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان؛ maryam_sadat_moosavi@yahoo.com

(۲). دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ m.bid@ltr.ui.ac.ir

(۳). استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان؛ mahdimeshkati@yahoo.com